معالجه
با نسخه قرآن و سنت

مؤلف:
سعیدبن علی قحطانی

مترجم:
ناصر مطلبی قولنجی

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

حمد و سپاس برای خداوندی که قلوب ما را به نعمت ایمان مزین گردانید و اسلام را برای ما دین قرار داد و محمد مصطفیص را برای ما رسول فرستاد و درود و سلام بر نبی کریم و اصحاب او باد.

امروزه مسلمین از وجود نعمت‌های بزرگی که الله‌ﻷ برای آنها ارزانی داشته غافل هستند نعمت‌هایی که پیامبران پیشین آرزوی آنها را برای خود و امتشان داشتند؛ بهترین دین، بهترین کتاب، بهترین رسول، بهترین امت، ولیکن صد افسوس که ما قدر آنها را نمی‌شناسیم و حق آنها را بجای نمی‌آوریم.

امروزه می‌بینیم که چطور رمالان و نسخه‌نویسان و طالع‌بینان کذابی که هیچ رابطه‌ای با اصل دین ندارند مردم را سرکیسه می‌کنند و برای مداوای امراض و سحر و جنون و غیره، طرق حرام و نامشروع را اتخاذ می‌کنند که هیچ گونه سند شرعی وعقلی برای آنها وجود ندارد و بر گرفته از روشهای خرافی و فِرَق ضالّه می‌باشند. لذا جهت اجتناب از این گونه افراد و کارها و تداوی امراض قلبی و جسمی و روحی باید به اهل آن مراجعه نمود آنها کسانی نیستند جز عالمان شریعت که خود نیز به آن عامل هستند و سنت نبوی را حفظ می‌نمایند و از هر گونه خرافه‌گویی به دور می‌باشند.

به امید اینکه این کتاب مورد استفاده همه دوستداران شریعت و سنت نبوی شریف قرار بگیرد.

مقدمه

اهمیت درمان به وسیله قرآن کریم و سنت پیامبر اکرمﷺ

همانا حمد و ستایش از آنِ الله﷯ است، و او را حمد می‌گوییم و از او یاری و مدد می‌جوییم و از او طلب مغفرت داریم و از شرارت نفس و بدی اعمالمان به او پناه می‌بریم، هر کس را که او هدایت نماید، هیچکس نمی‌تواند گمراه کند، و هر کس را که او گمراه کند، برایش هیچ هدایتگری نیست، و شهادت می‌دهیم جز الله﷯ اله و معبودی نیست، یگانه است که شریک و همتا ندارد و شهادت می‌دهیم که محمدﷺ بنده و فرستاده بر حق اوست، و سلام و درود بر او و آل و اصحابش باد، و بر هر کس که تا قیامت با نیکی پیروی آنها را نماید.

اما بعد:

در این مورد هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که تداوی و درمان به وسیله قرآن کریم و احادیث رسول امینﷺ (که رقیه نامیده می‌شود) درمان بس نافع و شفایی بس کامل است.

﴿ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞ ﴾ (فصلت / 44)

«بگو: قرآن برای ایمان‌آوردندگان (مسلمانان) هدایت و شفا است».

﴿ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾ (اسراء / 82)

«و فرود می‌آوریم از قرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مؤمنان».

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾ (یونس / 57)

«ای مردمان، آمده است به شما پندی از پروردگارتان و شفایی بر آن علت که در سینه‌هاست و راه نمودنی و بخشایشی برای مسلمانان».

پس قرآن عظیم شفای کاملی برای تمامی دردهای جسمی و روحی و کلیهٔ دردهای دنیوی و اخروی می‌باشد، و برای هر کسی شایسته و ضروری است که به وسیله قرآن طلب شفا نماید که بهترین مداوا، تداوی به وسیله قرآن می‌باشد، و هر کسی با داشتن صدق و ایمان و قبول کامل و اعتقاد راسخ به آن و قبول شروط قرآن، بیماریش شفا می‌یابد و هیچ دردی در مقابل آن نمی‌تواند مقاومت نماید، البته چطور دردها و سختی‌ها در مقابل کلام پروردگار آسمان و زمین یارای مقاومت داشته باشند، کلامی که اگر بر کوه‌ها نازل می‌گردید آنها را می‌شکافت، و اگر بر زمین عرضه می‌شد آن را قطعه قطعه می‌کرد، هیچ دردی از امراض جسمی و روحی وجود ندارد مگر اینکه در قرآن برای درمان آن و یا اسباب درمان آن و یا محافظت از آنها، راهی وجود نداشته باشد، البته برای کسی که الله ﷻ برای او درک و فهم قرآن را ارزانی داشته باشد. الله ﷻ در قرآن بیماری‌های جسم و روح را بیان فرموده است، و خود قرآن پزشک جسم و روح می‌باشد.

و اما بیماری‌های قلب و روح دو نوع می‌باشد:

یکی مرض شبهه و شک است، دومی مرض شهوت و گمراهیست، و الله ﷻ امراض قلبی را مفصلاً بیان فرموده و اسباب درمان این دردها را هم شرح می‌دهد. و می‌فرماید:

﴿ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴾ (عنکبوت / 51)

«آیا کفایت نکرده است ایشان را آنچه فرستادیم بر تو کتاب که خوانده می‌شود بر ایشان، هرآینه در این مقدمه رحمت و پند است برای قومی که باور می‌دارند».

علامه ابن قیم رحمه‌الله می‌گوید: «هر کسی را که قرآن شفا ندهد پس الله ﷻ او را شفا نداد و هر کس را که قرآن او را کفایت نکند پس الله ﷻ او را کفایت نکرد» (زادالمعاد).

اما بیماری‌های جسمی، قرآن کریم به اصول طبی آن و کلیات و قواعد آن ارشاد می‌فرماید و در آن اصول پزشکی آمده است و بر سه قسم است: یکی حفظ سلامتی است، دومی پرهیز از مواد آسیب‌رسان و بیماری‌زا است، و سوم طلب راحتی از مواد فاسد و آسیب‌رسان می‌باشد.

اگر فردی به دقت به وسیله قرآن تداوی نماید، تأثیر عجیبی در شفای فوری بیماریش خواهد بود، امام ابن قیم رحمه‌الله می‌گوید: «زمانی در مکه مکرمه بودم که در آن زمان بیمار شدم و پزشک و درمانی نیافتم، و خودم را به وسیله سوره فاتحه معالجه نمودم و در آن تأثیر عجیبی مشاهده کردم، مقداری از آب زمزم برداشته و بر آن به دفعات سوره فاتحه را می‌خواندم، سپس آن را می‌نوشیدم، پس از آن سلامتی کامل پیدا کردم، و اطمینان و یقین حاصل نمودم، و در بسیاری از بیماری‌ها بکار بردم و از آن بیشترین تأثیر را گرفتم، و آن را برای کسانی که از درد خود شکایت داشتند تعریف نمودم، آنها نیز استفاده کرده و بیشترشان سریعاً خوب شدند» (زادالمعاد).

معالجه به وسیله دعا و رقیه ثابت شده از سنت پیامبرﷺ نیز چنین بوده است و از بهترین داروها می‌باشد، و هرگاه دعا از منهیات به دور باشد، از بهترین اسباب برای دفع ناپاکی‌ها و رسیدن به خواسته‌ها می‌باشد، و دعا از بهترین داروهاست، مخصوصاً که همراه استقامت و پافشاری در آن باشد، و دشمن بلاست و آنها را درمان و دفع می‌نماید و از نزول بلا جلوگیری می‌کند و یا حداقل در حین نزول بلا آن را خفیف و سبک می‌کند (جواب الکافی).

در حدیث شریف آمده: (دعا، در مقابل مشکلاتی که فرودآمده و یا نیامده سودمند است، پس ای بندگان خدا، بر شماست که دعا کنید) (ترمذی و حاکم) و باز می‌فرماید: (هیچ چیز به جز دعا قضا و بلا را برنمی‌گرداند و هیچ چیز به جز نیکی به (طول) عمر نمی‌افزاید) (ترمذی و حاکم).

و اینجا نکته‌ایست که مستلزم فهم و درک است و آن اینست که بی‌شک آیات، اذکار، دعاها، معوذات که به وسیله آنها شفا خواسته می‌شود، در نفس خودشان شفادهنده و نافع هستند، ولی اعتقاد و قدرت فاعل و همچنین تأثیرگذاری او را طلب می‌کند و با وجود ضعف تأثیر فاعل و یا عدم اعتقاد مریض و یا شک در آن باعث جلوگیری از تأثیر دارو می‌شود، و شفا حاصل نخواهد شد، پس معالجه به وسیله دعا و رقیه مستلزم دو چیز است: **یکی از حیث بیمار و دیگری از جهت معالجه‌کننده.**

آنچه که مربوط به بیمار است به چند چیز مهم بستگی دارد: به اینکه قوت نفس داشته باشد، و با صدق و راستی به سوی الله‌ﷻ متوجه باشد و اعتقاد راسخ داشته باشد به اینکه قرآن برای مؤمنین شفا و رحمت است و با طرز صحیح به الله‌ﷻ پناه آورد و دل و زبان را یکی گرداند، و این هم نوعی مبارزه با نفس و شیطان می‌باشد.

برای یک مبارز، پیروزی بر دشمن حاصل نمی‌شود مگر با وجود دو چیز: یکی اینکه اسلحه سالم و خوب داشته باشد، دیگر اینکه بازوی قوی داشته باشد، اگر سلاح نامناسب باشد در حالی که بازوی بزرگ و قوی داشته باشد هرگز پیروزی حاصل نمی‌شود و بالعکس. حال تصور نمایید که نه اسلحه‌ای موجود باشد و نه زور با زور، آنگاه چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی قلب از توحید و توکل و خداترسی و توجه به الله خالی باشد و از سلاح (دعا) هم محروم باشد آنگاه چه خواهد شد؟!

وجه دوم از بابت معالجه‌کننده به وسیله قرآن و حدیث است که برای او هم دارا بودن دو چیز الزامی است، به همین دلیل ابن تین رحمه‌الله می‌گوید: «رقیه و دعا با معوذات و پناه جستن با اسماء الله‌ﷻ طبی روحانی است و زمانی که بر زبان انسان نیکوکاری جاری شود به اذان شفا حاصل می‌شود» (فتح الباری).

علما بر جایز بودن رقیه و دعا با گلذاشتن سه شرط اجماع نموده‌اند:

1) رقیه با کلام الله‌ﷻ (قرآن) یا با اسماء و صفات الله‌ﷻ و یا با کلام رسول‌اللهﷺ باشد.

2) به زبان عربی باشد و یا به هر زبانی که درست معنا شود، خوانده شود.

3) به این اعتقاد داشته باشد که رقیه و دعا به ذات خود مؤثر نیست بلکه قدرت الله‌ﷻ است که تأثیرگذار است و رقیه تنها سببی از اسباب درمان می‌باشد (فتح الباری).

به خاطر اهمیت زیاد این مطلب، قسمت رقیه از کتابم را به (ذکر و دعا و معالجه به وسیله رقیه از کتاب و سنت) خلاصه نمودم، و به آن فایده‌های زیادی اضافه نمودم و از الله‌ﷻ به خاطر نام‌های زیبایش و صفات والایش مسئلت دارم که آن را برای خویش خالص گرداند و به من و به هر کس که آن را بخواند و یا چاپ کند و یا باعث نشر آن شود و به تمام مسلمین نفع برساند که او پاک و منزه است و صاحب این کار و بر آن قادر و تواناست و سلام و درود و برکات الله‌ﷻ بر پیامبرمان محمدﷺ و بر آل و اصحابش باد و بر هر کس که تا قیامت به نیکی پیروی آنها را نماید.

سعید بن علی قحطانی

1414/6/18 هـ ق

درمان جادو و سحر

درمان شرعی جادو و سحر دو قسمت می‌باشد:

قسمت اول: هر آنچه که به وسیله آن سحر و جادو قبل از وقوع دفع می‌شود، از قبیل:

1) انجام کلیه واجبات و ترک نمودن تمامی محرمات و توبه نمودن از تمامی گناهان می‌باشد.

2) قرائت زیاد قرآن کریم، هر روز قرائت قسمتی از قرآن را عادت خود نمودن.

3) پناه بردن به الله ﷻ به وسیله دعاها و معوذات و ذکرهای مشروعه، از قبیل دعاهای زیر:

«**بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**» سه بار صبح و سبه بار شب خوانده شود (ترمذی، ابوداود، ابن ماجه).

یعنی «با نام الله، ذاتی که با اسم او هیچ چیز در زمین و آسمان ضرری نمی‌رساند و او شنوای داناست».

خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز فرض و هنگام خواب و صبح و شب، خواندن سورۀ اخلاص، فلق، و ناس. سه بار و هنگام خواب، (حاکم) خواندن ذکر «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» صد بار در هر روز (بخاری و مسلم).

«یعنی به جز الله هیچ اله و معبود بر حقی نیست، تنهاست و شریکی ندارد و ملک و ستایش از آن اوست، و او بر همه چیز تواناست».

همچنین استمرار و محافظت بر ذکرهای صبح و شب و ذکرهای بعد از نمازهای فرض و قبل از خواب و خوابیدن با آن اذکار، ذکرهای داخل و خارج شدن از منزل و دعای سوار شدن بر سواری، دعای ورود و خروج به مسجد و دعاهای ورود و خروج

به توالت، دعای دیدن مصیبت بر شخصی و دعاهای دیگر بر حسب احوال و مناسبات و مکان و زمان خاص و محافظت بر تمامی این دعاها می‌باشد.

شکی نیست که محافظت بر این اذکار و دعاها از اسبابی است که از ابتلا به جادو و چشم خوردن و جن‌زدگی به اذن و اراده الله‌ﷻ جلوگیری می‌نماید و حتی از بهترین درمان‌هایی می‌باشد که بعد از ابتلا به آفات مزبور تجویز می‌گردد (زاد المعاد).

4) در صورت امکان خوردن 7 خرما با شکم خالی هنگام صبح، برای اینکه پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (هر کس با شکم خالی، ناشتایی هفت خرما بخورد آن روز سم و جادو او را ضرر نمی‌رساند) (بخاری) و اضافه شده که (از خرمای مدینه باشد و از آنچه که بین زمین‌های سنگلاخ است) (مسلم). و علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمه‌الله می‌گفت: «که در تمامی خرماهای مدینه، این صفت ذکر شده، طبق حدیث زیر دیده می‌شود (هر کس از آنچه بین زمینی که گیاهی در آن نیست هنگام صبح بخورد...) (مسلم) شیخ ابن باز رحمه‌الله فرموده است که این صفت برای کسی که خرمایی غیر از خرمای مدینه می‌خورد نیز امید است حاصل گردد.

قسمت دوم درمان جادو: درمان جادو بعد از وقوع، که به چند نوع انجام می‌شود:

نوع اول: پیدا کردن و باطل نمودن جادو، زمانی که مکانش با راه‌های شرعی شناخته شود، این نوع درمان از بهترین روش‌های درمان است که به وسیله آن مسحور (جادو شده) معالجه می‌گردد (بخاری و مسلم و فتاوای ابن باز).

نوع دوم: رقیه (دعای شرعی) می‌باشد، که چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف) هفت برگ از برگ‌های سدر سبز، با سنگ خوب کوبیده می‌شود، سپس بر روی آن آب ریخته می‌شود به اندازه‌ای که برای شستشو کافی باشد و بر آن آیه‌ها و سوره‌های زیر خوانده می‌شود:

﴿ ٱللَّهُ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَیُّ ٱلۡقَیُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوۡمٌۚ لَّهُۥ مَا فِی ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِی ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِی یَشۡفَعُ عِندَهُۥۤ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ یَعۡلَمُ مَا بَیۡنَ أَیۡدِیهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیۡءٍ مِّنۡ عِلۡمِهِۦۤ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِیُّهُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا یَـُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِیُّ ٱلۡعَظِیمُ ﴾ (بقره / 255)

«خدا، هیچ معبودی به جز او نیست، او زنده تدبیرکننده عالم است، او را نه چُرت و نه خواب نمی‌گیرد، آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست، کیست آنکه شفاعت کند نزد او الا به حکم او، آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پش پشت ایشان است می‌داند و از معلومات حق چیزی را در برنمی‌گیرد مگر آنچه خواسته است، فراگرفته است پادشاهی او آسمان‌ها و زمین را، و نگهبانی این دو بر وی گران نمی‌شود و او بلندمرتبه بزرگ قدر است».

﴿ وَأَوۡحَیۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِیَ تَلۡقَفُ مَا یَأۡفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ یَعۡمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَـٰغِرِینَ ﴾

(اعراف / 117-119)

«و وحی فرستادیم به سوی موسی که بیفکن عصای خود را، پس ناگهان، آن عصا فرودمی‌برد آنچه به دروغ اظهار می‌کردند، پس ثابت شد حق و باطل شد آنچه ایشان می‌کردند، پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند. و انداخته شدند ساحران سجده‌کنان».

﴿ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَـٰلَمِینَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَـٰرُونَ ﴾(اعراف / 121-122)

«گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار عالمیان، خدای موسی و هارون».

﴿ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ٱئْتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم
مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّآ أَلْقَوْاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ
ٱلسِّحْرُ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبْطِلُهُۥٓ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ
ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴾ (یونس / 72-79)

«و گفت: فرعون بیاورید پیش من هر ساحر دانا را * پس وقتی که آمدند ساحران گفت ایشان را موسی: بیافکنید آنچه شما افکنده‌اید * پس چون افکندند گفت موسی: آنچه آورده‌اید سحر است، هرآینه خدا باطل خواهد ساخت آن را، هرآینه خدا راست نمی‌آورد کار مفسدان را * و ثابت خواهد کرد خدا سخن درست را به فرمان خود اگرچه ناخوش دارند گناهکاران».

﴿ قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلْقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ
أَلْقُواْ ۖ فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾
فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِۦ خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْأَعْلَىٰ
﴿٦٨﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوٓاْ ۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيْدُ سَٰحِرٍ ۖ وَلَا
يُفْلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأُلْقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ
وَمُوسَىٰ ﴾ (طه / 65-70)

«گفتند: ای موسی، یا اینست که تو افکنی عصا را، یا ما باشیم ما اول کسی که افکند، گفت: بلکه شما افکنید، پس ناگهان رسن‌های ایشان نمودار شد پیش موسی به سبب سحر ایشان که می‌دوند، پس یافت در ضمیر خود موسی ترسی را، گفتیم: مترس هرآینه تویی غالب، و بیفکن آنچه در دست راست توست تا فروبرد چیزی را که ساحران ساخته‌اند هرآینه آنچه ساخته‌اند جادویی جادوکننده

است، و رستگار نمی‌شود ساحر هر جا که رود، پس انداخته شدند ساحران سجده‌کنان، گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی».

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ﴾ (کافرون / 1-6)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ﴾ (اخلاص / 1-4)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴾ (فلق / 1-5)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ﴾ (ناس / 1-6)

بعد از خواندن آیات و سوره‌های مذکور در آب، بیمار از آن آب سه بار می‌نوشد و با بقیه آن غسل می‌کند و به وسیله آن ان شاءالله درد رفع می‌گردد، اگر نیاز شد دو بار یا بیشتر این عمل را انجام دهد تا بیماری به کلی رفع گردد.

بسیاری از مردم دچار (سحر و بیماری) بوده‌اند و اللهﷻ به وسیله اعمال مذکور سلامتی را به آنان باز گردانیده است، برای کسی که از زنش بازداشته شده یعنی تمایل به او ندارد بهترین روش، روش فوق می‌باشد.

ب) خواندن سوره فاتحه و آیه‌الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره اخلاص و معوذتین (فلق و ناس) سه بار یا بیشتر همراه فوت کردن و مسح نمودن موضع درد با دست راست نیز تجویز می‌گردد (بخاری و مسلم).

تعوذات (پناه جستن به اللهﷻ) ورقیه و دعاهای جامع

1) «**أَسْأَلُ اللَّـهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ**» «7 مرتبه» (ترمذی و ابوداود) یعنی: از الله بزرگ پروردگار عرش بزرگ می‌خواهم که تو را شفا دهد.

2) مریض دستش را بر موضعی از بدنش که درد می‌کند، قرار می‌دهد و سه بار «**بسم الله**» می‌گوید، و سپس هفت بار این دعا را می‌خواند: «**أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ**». (مسلم) یعنی: به الله و قدرتش پناه می‌برم از شر آنچه که احساس (درد) می‌کنم و از آن بیم دارم.

3) «**اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبْ الْبَاسَ اشْفِهِ وَأَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا**». (بخاری و مسلم) یعنی: ای الله، پروردگار مردم، این مشکل را رفع کن و شفا بده که تو شفادهنده هستی، شفایی نیست مگر شفای تو، شفایی بده که ناراحتی نماند.

4) (**أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ**». (بخاری) یعنی: پناه می‌برم به کلمات کامل الله از شر شیطان و از هر حیوان زهردار و از هر چشم شر (زننده).

5) «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». (مسلم) یعنی: پناه می‌برم به الله و کلمات کامل او از شر آنچه آفریده است.

6) «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ وَأَنْ يَحْضِرُوْنِ». (ترمذی و ابوداود) یعنی: پناه می‌برم به الله و کلمات کامل او از غضبش و مجازاتش و از شر بندگانش و از وسوسه‌های شیاطین و پناه می‌برم به الله از اینکه شیاطین نزد من بیایند.

7) «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِيْ لاَ يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلاَ فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبَرَأَ وَذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيْهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِيْ اْلأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلاَّ طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمنُ». (مسند امام احمد) یعنی: پناه می‌برم به الله﷯ به وسیله همان کلمات کاملش که هیچ نیک و بد نمی‌تواند از آن تجاوز نماید، از بدی آنچه از آسمان فرودمی‌آید و به سوی آن بالا می‌رود، و از بدی آنچه در زمین موجود است و از آن خارج می‌شود، و از بدی فتنه‌های شب و روز، و از بدی آنچه در شب و روز رفت و آمد دارد، مگر چیزی که به قصد خیر می‌آید، ای پروردگار مهربان.

8) «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَاْلإِنْجِيْلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ اْلأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُوْنَكَ شَيْءٌ...». (مسلم) یعنی: ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و پروردگار همه چیز، شکافندۀ دانه و هسته خرما و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، پناه می‌برم به تو از بدی هر چیزی که پیشانیش بدست قدرت توست، تو اول هستی و قبل از تو چیزی نیست و تو آخر هستی و بعد از تو چیزی نمی‌باشد، و تو آشکار هستی و برتر از تو چیزی وجود ندارد، و تو باطن هستی و چیزی غیر از تو وجودی ندارد.

9) **(بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ اللّـَهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّـهِ أَرْقِيكَ)**. (مسلم) یعنی: به نام الله تو را دم می‌زنم، تا محفوظ شوی از هر آنچه تو را اذیت می‌کند، و از بدی هر نفس و چشم حسود، الله تو را شفا دهد، بنام الله تو را دم می‌زنم.

10) **(بِاسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ)**. (مسلم) یعنی: به نام الله که تو را شفا می دهد و از هر دردی تو را شفا می‌دهد و از هر بـدی حسود آنگاه که حسد می‌ورزد و از شر هر چشم شور دور کند.

11) «**بِسْمِ اللَّـهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ حَسَدِ حَاسِدٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ اللَّـهُ يَشْفِيكَ**». (ابن ماجه) یعنی: به نام الله تو را دم می‌زنم تا حفظ شوی از هر آنچه که تو را اذیت می‌کند و از حسد حسود و از هر چشم شور، الله تو را شفا دهد.

و با این معوذات و پناه جستن‌ها به الله‌ﷻ و دعاها و رقیه به آنها، جادو، چشم‌خوردگی، جن‌زدگی و تمام بیماری‌ها را معالجه می‌کنند، و این ادعیه به اذن الله‌ﷻ رقیه‌ها و نسخه‌های جامع و نافعی می‌باشند.

شکل سوم: استفراغ به وسیله انگشت نمودن در حلق و حجامت (رگ زدن) عضوی که آثار سحر و جادو در آن ظاهر شده، البته اگر امکان داشته باشد، در صورت غیر ممکن بودن آنچه سابقاً از روش‌های معالجه ذکر گردید، بحمدالله کفایت می‌کند (زادالمعاد).

شکل چهارم: استفاده از داروهای طبیعی: داروهای طبیعی که نافع هستند و قرآن کریم و سنت پاک رسول اکرمﷺ بر استفاده از آنها دلالت می‌کنند.

اگر شخصی با یقین و صداقت و توجه و اعتماد به الله‌ﷻ آنها را استعمال نماید حتماً منتفع می‌شود، و ان شاءالله بهبودی حاصل می‌گردد، که همانا نفع و بهبودی از جانب الله است و بس.

داروهای مرکبی از گیاهان و غیره وجود دارند که از روی تجربه به دست آمده‌اند و شرعاً هم مانعی برای استفاده از آنها وجود ندارد، مگر اینکه حرام باشند.

از جمله داروهای طبیعی که به اذن الله‌ﷻ شفابخش هستند می‌توان به عسل، سیاه‌دانه، آب زمزم و آب باران اشاره نمود و الله‌ﷻ می‌فرماید:

﴿ وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا ﴾ (ق / 9)

«و فرودآوردیم از آسمان آب با برکت».

و روغن زیتون از جمله داروها است، پیامبر اکرمﷺ می‌فرمایند (از روغن زیتون بخورید و از آن بر خود بمالید که آن از درختی مبارک می‌باشد) (احمد، ترمذی، ابن ماجه).

از طریق تجربه و استعمال و نوشته‌ها ثابت شده است که روغن زیتون از بهترین نوع روغن است و باید که در شستشو، نظافت و پاکیزگی از مواد طبیعی استفاده نمود.

درمان چشم‌خوردگی

روش اول: قبل از چشم‌خوردگی است، و آن نیز چند نوع می‌باشد

1) پناه جستن به الله‌ﷻ استفاده از اذکار و دعاها و معوذات مشروعه که در قسمت اول از درمان جادو بیان گردید.

2) هر کسی که بیم دارد که چیزی را چشم بزند، مثلاً هرگاه در خود، یا اموال خود، یا فرزندانش، و یا برادرش چیزی دید که او را به تعجب واداشت این دعا را بخواند **(ماشاءالله لا قوة إلاّ بالله، اللهم بارک علیه)** یعنی: هر چه الله خواسته است شد، به جز الله هیچ توانایی نیست مگر به مشیت الله، بار الها، برای آن برکت قرار بده. پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (هرگاه یکی از شما نزد برادرش چیزی دید که او را شگفت‌زده نمود پس باید برای او طلب برکت و مبارکی نماید) (موطای امام مالک، ابن ماجه، احمد).

3) پوشاندن زیبایی‌ها برای کسی که از چشم خوردن می‌ترسد (زاد المعاد).

روش دوم: بعد از چشم‌خوردگی است و آن نیز بر چند نوع می‌باشد

1) هرگاه چشم شور شناخته شود به او گفته شود تا وضو بگیرد، سپس کسی که چشم‌خورده با آن آب خودش را بشوید (ابی‌داود، زادالمعاد).

2) خواندن زیاد سوره‌های **اخلاص، فلق، ناس، فاتحه، آیه‌الکرسی، آمن الرسول** ... (آخر سوره بقره) و دعاهای مشروعه در باب رقیه، همراه با فوت نمودن و مسح موضع درد با دست راست، همچنان که در شکل دوم از درمان جادو بیان گردید.

3) آیه‌ها و سوره‌های مذکور را در آب بخواند و فوت کند، سپس بیمار از آن آب بنوشد و بقیه آن را بر رویش بریزد (ابی‌داود) و یا در روغن زیتون بخواند و بر خود بمالد، در صورت امکان اگر بر آب زمزم یا آب باران خوانده شود تکمیل‌تر خواهد بود (مسند احمد).

4) اگر برای بیماری آیاتی از قرآن نوشته شود سپس به آن غسل نماید و آن را بنوشد مشکلی نیست، از قبیل سوره فاتحه، آیه‌الکرسی، دو آیه آخر سوره بقره، سوره‌های اخلاص، فلق، ناس و دعاهای رقیه که در نوع دوم از درمان جادو در قسمت 2 و 3 بیان گردید (زادالمعاد).

روش سوم: استفاده از اسبابی که چشم حسود را دور می‌کند

مانند موارد زیر:

1) استعاذه (پناه بردن) به الله ﷻ از شر چشم شور.

2) تقوای الله ﷻ و دقت در آن و محافظت بر امر و نهی او.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: (تو بر امر الله محافظت کن، او هم تو را حفظ می‌کند) (ترمذی).

3) صبر نمودن بر حسود و از او گذشت نمودن، دعوا نکردن و شکایت ننمودن بر وی، و به او آزار و اذیت نرساندن.

4) توکل نمودن به الله، و هر کس که به الله ﷻ توکل نماید پس الله او را بس است.

5) حسود نباید بترسد و قلبش را با فکر و خیال پر نکند، این نوع عملکرد خود بهترین روش معالجه می‌باشد.

6) روی آوردن به الله ﷻ به اخلاص نسبت به او، و طلب رضایت از او.

7) توبه نمودن از گناهان که همانا گناهان دشمنان را بر انسان مسلط می‌کند. و الله ﷻ می‌فرماید:

﴿ وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ﴾

(شوری / 30)

«و هر چه برسد بر شما از مصیبت‌ها پس به سبب گناهی است که به عمل آورد دست‌های شما و درمی‌گذرد از بسیاری».

8) صدقه و احسان نمودن تا جایی که امکان دارد و در زمینه دفع بلا و چشم‌خوردگی و شر مردم حسود، دارای تأثیر عجیبی می‌باشد.

9) خاموش کردن آتش حسود و متجاوز و آزاررسان، با نیکی کردن به وی و هرگاه او نسبت به تو اذیت و آزار و تعدی و حسادت را بیشتر کرد، تو به او بیشتر نیکی کن و این توفیق شامل هر کسی نمی‌شود مگر اینکه نصیبش از الله ﷻ زیاد باشد.

10) یکتاپرستی و خالص نمودن توحید برای الله عزیز و حکیم که هیچ چیز بدون اذن و اراده او ضرر یا همه چیز را می‌تواند جمع کند و او گردانندۀ همه این اسباب است، پس توحید قلعه بزرگ الله ﷻ است که هر کس داخل آن شود از ایمن‌شدگان می‌گردد. و اینها همه از اسبابی هستند که به وسیله آنها شر حسود، چشم شور و جادوگر دفع می‌گردد (بدایع الفواید ـ ابن قیم).

درمان آدم جن‌زده

درمان آدم مبتلا به صرع (غش) که جن در او داخل شده و با او عجین می‌شود، دو نوع است:

نوع اول: قبل از ابتلاست

اهتمام بر تمامی فرایض و واجبات و دوری از تمامی محرمات و توبه کردن از کلیه گناهان و پناه جستن با اذکار و دعاها و معوذات مشروعه انسان را حفظ می‌کند.

نوع دوم: درمان بعد از ورود جن به آدم غشی است

قرائت فرد مسلمانی که قلب و زبانش یکی باشد ورقیه‌اش برای بیمار غشی اثر نماید.

و بهترین و بزرگترین معالجه و رقیه، با سوره فاتحه، (ابی‌داود و احمد) آیه‌الکرسی، دو آیه آخر سوره بقره، سوره‌های اخلاص، فلق، ناس، می‌باشند که همراه فوت کردن بر بیمار غشی جن‌زده و تکرار آنها به تعداد سه مرتبه یا بیشتر می‌باشد، می‌توان آیات دیگری از قرآن کریم هم خواند و فوت نمود، برای اینکه قرآن کریم سراسر شفا است، شفای سینه‌ها و قلب‌ها و کلاً برای مؤمنین شفا، رحمت، هدایت است (فتح الربانی). همچنین رقیه و دعایی که در شکل دوم درمان جادو قسمت (2 و 3) بیان گردید را خوانده و فوت نمود.

در این نوع معالجه باید دو چیز را مدنظر داشت: اول از بابت بیمار غشی که باید قوت نفس و صداقت توجه به الله‌ﷻ داشته باشد و هم اینکه تعوذ (پناه جستن) او به الله‌ﷻ طوری باشد که قلب و زبانش یکی شوند.

دوم از بابت معالجه‌گر می‌باشد، که باید همچنان که ذکر گردید، مثلی است که می‌گوید: سلاح به دست بکارگیرنده‌اش زیباست (زادالمعاد و فتاوای ابن تیمیه).

اگر در گوش بیمار غشی اذان داده شود خوب است برای اینکه شیطان از گوش او فرار می‌کند (بخاری).

درمان بیماری روحی (قلبی)

بزرگترین درمان برای امراض روحی و دلتنگی به اختصار در ذیل می‌آید: (زاد المعاد)

1) هدایت و توحید، همانا گمراهی و شرک از بزرگترین اسباب دل‌تنگی است.

2) نور ایمان صحیح، که الله‌ﷻ همراه عمل صالح در قلب بنده‌اش می‌افکند.

3) علم نافع، که باعث گشایش و بسط علم فرد می‌شود و شرح صدر به همراه دارد و دل را باز می‌کند.

4) توبه نمودن و برگشتن به سوی الله‌ﷻ و دوستی او با تمام قلب، و به او روی آوردن و در عبادتش مشغول شدن.

5) مداومت یاد الله‌ﷻ در هر حال و در هر مکان، ذکر، تأثیر عجیبی در شرح صدر و فراخی دل و از بین بردن غم و غصه دارد.

6) نیکی کردن به خلق، نیکی کردن به صورت‌های مختلف آن و نفع رسانیدن به خلق تا حد امکان، انسان بخشنده نیکوکار، دلبازترین مردم و پاک طینت‌ترین و بافضیلت‌ترین آنها است.

7) شجاعت، که همانا مرد شجاع دلباز است و دل فراخی دارد.

8) بیرون نمودن عیوب قلب از قبیل صفات بد که موجب تنگی دل و عذاب آن می‌شود مانند حسد، کینه، خیانت، دشمنی، نفرت و ظلم.

از پیامبر اکرمﷺ در مورد بهترین مردم سئوال شد، فرمود: (هر کسی که مخموم القلب است و زبانش راست گفتار باشد، گفتند: راست گفتار را می‌دانیم، اما مخموم القلب

چیست؟ فرمود: کسی که قلب او متقی و پاک است و گناه، ظلم، خیانت، حسد در آن نیست) (ابن ماجه).

9) افراط نکردن در نگاه و گفتار و گوش دادن و نزدیکی و خوردن و خوابیدن که همانا ترک زیاده‌روی در آنها از اسباب فراخی دل است و سبب از بین رفتن غم و غصه می‌باشد.

10) مشغول شدن به کار یا علمی از علوم نافع که قلب را از عوامل اضطراب و تشویق دور ساخته و سرگرم می‌کند.

11) انجام هر کار در همان روز و عدم موکول کردن آن به آینده و غصه نخوردن بر گذشته، و انسان در زمینه آنچه که در دین و دنیایش به او نفع می‌رساند تلاش کند و از پروردگارش برای رسیدن به هدف و پیروزی کمک بخواهد و از او طلب یاری و مدد بکند که این عمل او را از غم و غصه دور کرده و به او تسلی می‌دهد.

12) نگاه کردن به کسی که پایین‌تر از توست نه به کسی که بالاتر از توست، چه از لحاظ سلامتی و چه از نظر رزق و روزی و امثالهم.

13) فراموش کردن آنچه که از ناخوشایندی‌ها بر او گذشته و امکان دفعشان هم نبوده و هرگز در مورد آنها فکر ننماید.

14) هرگاه که به فردی مصیبتی وارد شود باید تلاش کند که آن را سبک نماید، با وجود اینکه بدترین احتمالاتی که به آن امر منتهی می‌شود هم پیش بیاید، و باید آن را به اندازه تواناییش دفع نماید.

15) داشتن قوت قلب و عدم آشفتگی و انفعال قلب به اوهام و خیالات که تفکرات بد را جلب می‌نماید و عصبانی نشود و منتظر از بین رفتن گناهان و بروز ناخوشایندی‌ها نباشد بلکه کار را به الله‌ﷻ موکول نماید در عین اینکه اسباب نافع را هم اختیار نماید، در خواست عفو و سلامتی از الله‌ﷻ نماید.

16) تکیه و اعتماد قلب بر الله‌ﷻ و توکل نمودن به او، داشتن حسن ظن نسبت به الله‌ﷻ و هر کس که به الله توکل نماید اوهام و خیالات در او تأثیری ندارد.

17) فرد عاقل می‌داند که زندگی صحیح و درست او آن زندگی است که پر از آرامش و خوشبختی باشد و زندگی واقعاً کوتاه است، پس نباید آن را با غم و اندوه کوتاهتر نمود و در برابر تیرگی‌های آن نرم شد که این کار علیرغم یک زندگی صحیح می‌باشد.

18) آنگاه که بدی بر سر او آمد بین بقیه نعمت‌های دینی و دنیوی‌اش و بین آنچه بر سر او از بدی آمده جمع‌بندی و مقایسه نماید. بعد از مقایسه، بر او آشکارتر می‌شود که نعمت‌های او از آن مصیبت بیشتر است، و بین آنچه از روی دادن ضرر می‌ترسد و احتمالات زیادی که در مورد سلامتی او می‌باشد جمع‌بندی داشته باشد و نگذارد احتمال ضعیف بر احتمال قوی غلبه کند، و به وسیله آن هم غم و غصه و ترسش تمام می‌گردد.

19) بداند که آزارهای مردم، مخصوصاً گفتار بد، او را ضرر نمی‌رساند بلکه به خود آنها ضرر می‌رساند و به آن اهمیتی ندهد و فکر و خیال نکند تا اینکه به او ضرر و آسیبی نرساند.

20) افکارش را در مواردی که به او نفع دینی و دنیایی می‌رساند مشغول کند.

21) نباید از کسی به خاطر کار نیک و خوبی که به او کرده است توقع تشکر داشته باشد، به جز از الله‌ﷻ. بداند که این معامله‌ای بین او و الله‌ﷻ می‌باشد، و به تشکرات کسی که به او خوبی کرده اهمیتی ندهد ﴿**إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ**﴾.

22) بر روی دو چشم قرار دادن کارهای سودمند و به تحقق رساندن آن و عدم اشتغال به کارهای ضرررسان، حتی فکرش را هم نباید به آن مشغول نماید.

23) انجام تمام کارهای حال حاضر و فراغت از کارهای آینده تا زمانی که برای کارهای آینده با نیروی تفکر و عمل دست یابد.

24) از کارها و علوم نافع مهمترین آنها را برگزیند، خصوصاً مواردی که علاقه‌اش را در مورد آن شدید می‌کند از الله‌ﷻ بر انجام آن کار مدد بخواهد سپس مشورت کند آنگاه که مصلحت آن کار تشخیص داده شد با توکل به الله‌ﷻ به آن کار بپردازد.

25) سخن گفتن از نعمت‌های ظاهری و باطنی الله‌ﷻ که همانا با شناخت آنها و با سخن گفتن در مورد آنها الله‌ﷻ غم و غصه را دفع می‌کند. و بنده را به شکرگزاری برمی‌انگیزد.

26) رفتار همسر، و فامیل و هر کسی که بین تو و او رابطه و علاقه‌ای است، هرگاه که تو در آنها عیبی دیدی با آنها، با این ملاحظات دوستی، رابطه تداوم می‌یابد و دل باز می‌شود (مرد مؤمنی زن مؤمنش را متارکه نکند اگر از اخلاقش بدش آمد از اخلاق دیگرش راضی باشد) (مسلم).

27) دعا نمودن برای درست شدن تمام کارها، و بزرگترین دعا اینست «**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ**» (مسلم) یعنی: ای الله، برای من دینم را که باعث حفظ شدن از گناه در کارم است را اصلاح بفرما. و دنیایم را که در آن امرار معاشم است، و آخرتم را که در آن معاد و بازگشتم است نیز اصلاح بفرما و زندگیم را جهت کارهای خیر زیاد بفرما و مرگم را جهت خلاصی از هر شری برایم قرار ده.

و همچنین این دعا «**اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْت**» (ابوداود و احمد) یعنی: ای الله، رحمتت را طلب دارم، مرا به

اندازه یک چشم به هم زدن به حال خودم وا مگذار و تمام کارهایم را اصلاح بفرما که به جز تو هیچ اله و معبودی نیست.

28) جهاد در راه الله ﷻ، پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: (در راه الله ﷻ جهاد کنید که همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است، و الله به وسیله آن انسان را از غم و غصه نجات می‌دهد) (احمد و حاکم) و این اسباب و وسایل درمان مفیدی برای امراض روحی هستند و از بزرگترین درمان‌های آشفتگی روحی، برای کسی است که تدبیر نماید و با صدق و اخلاص به آن عمل نماید و برخی از علماء بسیاری از حالات و بیماری‌های روحی را با آن معالجه نموده‌اند، و الله ﷻ با آن فایده زیادی به بیمار رسانده است.

معالجه زخم عفونی و زخم‌های دیگر

هرگاه شخصی از زخم عفونی و یا زخم دیگر نزد رسول‌الله ﷺ شکایت می‌نمود، با انگشتانش چنین کرد و سفیان (راوی حدیث) سبابه‌اش را به زمین گذاشت و گفت: این طور سپس بلندش کرد و گفت: «**بِسْمِ اللَّـهِ، تُرْبَةُ أَرْضِنَا. بِرِيقَةِ بَعْضِنَا، يُشْفَى سَقِيمُنَا بِإِذْنِ رَبِّنَا**» یعنی: بنام الله، خاک زمین ما، با آب دهن بعضی از ما، بیمار ما شفا داده می‌شود به اذن و ارادۀ پروردگار ما. معنی حدیث این است که همانا او پاکی نفسش را به انگشت سبابه‌اش می‌گیرد، سپس آن را بر خاک می‌گذارد و با آن چیز از خاک می‌چسبد و آن را به موضع زخم یا درد می‌مالد و این کلام را در حال مسح می‌گوید.

درمان مصیبت

1) ﴿ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ﴾

(حدید / 22-23)

«نمی‌رسد هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه بیافرینم آن مصیبت را، هرآینه این کار بر الله آسان است، خبر داده‌ایم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان نشوید و به آنچه عطا کرد شما را» و الله‌ﷻ دوست نمی‌دارد هر تکبرکننده خودستاینده را».

2) ﴿ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴾ (تغابن / 11)

«نمی‌رسد هیچ مصیبتی مگر به حکم خدا و هر که رجوع کند به خدا راه نماید دل او را و خدا به هر چیز دانا است».

3) رسول اکرمﷺ می‌فرماید: (اگر بر بنده‌ای مصیبتی وارد شود و بگوید: «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِى فِى مُصِيبَتِى وَأَخْلِفْ لِى خَيْرًا مِنْهَا**» یعنی «ما از آنِ الله هستیم و هرآینه ما به سوی او باز خواهیم گردید. ای الله، مرا در برابر مصیبتم اجر بده و برایم از آن بهتر را جانشین کن». الله‌ﷻ هم او را در برابر مصیبتش اجر می‌دهد و برای او بهتر از آن عطا می‌کند. (مسلم).

4) پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (هرگاه فرزند انسانی بمیرد الله‌ﷻ به ملائکه‌اش می‌گوید: آیا روح بنده‌ام را گرفتید؟ آنها می‌گویند: بله، الله‌ﷻ می‌گوید: آیا میوه و ثمره دل او را قبض نمودید؟ آنها می‌گویند: بله، الله‌ﷻ می‌گوید: بنده‌ام چه گفت؟ ملائکه می‌گویند: حمد و

سپاس ترا گفت، و إناالله و إنا إليه راجعون گفت، الله می‌فرماید: برای بنده‌ام در جنت خانه‌ای بسازید و نامش را بیت الحمد (سرای حمد و سپاس) بگذارید) (ترمذی).

5) رسول اکرمﷺ می‌فرماید: (الله‌ﷻ می‌فرماید برای بنده مؤمن من آنگاه که عزیزش از اهل دنیا را قبض کنم و او در این امر صبر کند، پاداشی نیست مگر بهشت) (بخاری).

6) پیامبر اکرمﷺ برای مردی که پسرش مرده بود فرمود: (آیا دوست نداری که بر دری از درهای جنت بیایی و آن را منتظرت بیابی) (احمد، نسایی).

7) رسول امینﷺ می‌فرماید: (الله می‌فرماید: آنگاه که بنده‌ام را به مصیبت دو عزیزش مبتلا کنم و او صبر کند، آن را به دوتای بهشت عوضش دهم) (بخاری، ترمذی).

«منظور از دوتای بهشت، دو چشمه در بهشت است».

8) و می‌فرماید: (بر مسلمان اذیتی از بیماری و یا چیز دیگر نمی‌رسد مگر اینکه الله‌ﷻ به وسیله آن گناهانش را می‌ریزد همچنان که برگ‌های درخت را می‌ریزد) (بخاری و مسلم).

9) و می‌فرماید: (بر بدن مسلمانی خاری یا چیزی فرونمی‌رود مگر اینکه به واسطه آن درجه‌ای بر او نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌شود) (مسلم).

10) و می‌فرماید: (بر مؤمن بیماری، مرض، ناراحتی، اندوه، و غم نمی‌رسد مگر اینکه به وسیله آن گناهانش پاک شوند) (مسلم).

11) و می‌فرماید: (همانا بزرگترین پاداش‌ها همراه بزرگترین بلاهاست، و الله‌ﷻ هرگاه قومی را دوست بدارد آنها را به مصیبت مبتلا می‌کند، پس هر کس راضی شد، پس برای او رضایت (الله‌ﷻ حاصل) می‌شود، و هر کس خشمگین شد بر او غضب می‌شود) (ترمذی، ابن ماجه).

12) و می‌فرماید: (... بلا، بنده را رها نمی‌کند، وقتی او را رها می‌کند که او بر زمین راه برود و بر او گناهی نباشد) (ترمذی، ابن ماجه).

درمان غم و اندوه

1) پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: هرگاه بنده‌ای دچار غم و اندوه شود این را بگوید: **«اللَّهُمَّ إِنِّى عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِى بِيَدِكَ مَاضٍ فِىَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِىَّ قَضَاؤُكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِى كِتَابِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِى عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِى وَنُورَ صَدْرِى وَجَلاَءَ حُزْنِى وَذَهَابَ هَمِّى»** (با این دعا) الله و غم و غصه او را می‌برد و به جای آن شادی و خوشی قرار می‌دهد (احمد). یعنی: «ای الله همانا من بنده تو ام و پسر بنده تو و پسر کنیز تو و سرنوشتم به دست توست، حکم تو بر من قابل اجراست، قضا و قدر تو در مورد من عین عدل است، از تو می‌خواهم به هر اسمی که خودت را به آن نامیده‌ای و یا در کتابت نازل نموده‌ای یا آن را به یکی از مخلوقاتت آموخته‌ای یا در علم غیب نزد خودت برای خودت انتخاب نموده‌ای، قرآن را بهار قلبم و نور سینه‌ام و زداینده اندوهم و برطرف کننده غم‌هایم قرار بدهی».

2) رسول‌اللهﷺ این دعا را زیاد می‌خواند: **«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»**. (بخاری) یعنی: ای الله، همانا به تو پناه می‌آورم از غم و اندوه و ضعف و تنبلی و بخلی و بزدلی و زیاد شدن قرض و زورگویی مردم.

درمان بلای بزرگ

1) **(لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ الْعَظِيمُ الْـحَلِيمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)** (بخاری و مسلم) یعنی: به جز الله هیچ الهی نیست او که بزرگ و بردبار است، و به جز الله هیچ الهی نیست او که پروردگار

عرش بزرگ است، به جز الله هیچ الهی نیست که او پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش و کریم است.

2) «**اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**» (ابوداود، احمد) یعنی: ای الله، رحمتت را طلب می‌کنم و مرا به اندازه یک چشم بهم زدن به حال خودم وامگذار و تمام کارهایم را اصلاح کن که به جز تو هیچ اله بر حقی نیست.

3) ﴿**لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**﴾ (ترمذی و حاکم) یعنی به جز تو هیچ الهی نیست، پاک و منزهی و من هر آینه از ستمکاران بودم).

4) **(اللَّـهُ اللَّـهُ رَبِّى لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا)** (ابوداود، ابن ماجه و ترمذی) یعنی: (به گوش باشید) الله پروردگار من است و من چیزی را با او شریک قرار نمی‌دهم.

معالجه بیمار توسط خودش

دست را بر جایی از بدن که درد می‌کند گذاشته سه بار «**بسم‌الله**» بگوید، و هفت مرتبه این را بگوید «**أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِر**». (مسلم) یعنی: به الله و قدرتش پناه می‌برم از بدی آنچه احساس می‌کنم و از آن بیم دارم.

درمان بیمار در موقع عیادت او

بنده مسلمان هرگاه بر بیماری که اجلش نرسیده وارد شود، هفت مرتبه بگوید: «**أَسْأَلُ اللَّـهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ**» (ترمذی و ابوداود) یعنی: از خداوند بزرگ پروردگار عرش بزرگ می‌خواهم که تو را شفا بدهد.

درمان آشفتگی و و حشت در خواب

«أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ وَأَنْ يَحْضرُوْنِ». (ابوداود و ترمذی) یعنی: پناه می‌برم به الله به وسیله کلمات کامله او از غضبش و مجازاتش و از شر بندگانش و از وسوسه‌های شیاطین و از اینکه شیاطین نزد من بیایند.

درمان تب

پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (تب از گرمای جهنم است پس آن را با آب خنک کنید) (بخاری و مسلم).

درمان نیش‌خوردگی از مار و عقرب و غیره

1) قرائت سوره فاتحه همراه جمع کردن آب دهان و تف کردن بر جای نیش (بخاری).
2) مسح بر آن با آب و نمک همراه قرائت سوره‌های کافرون، فلق و ناس (طبرانی).

علاج خشم و غضب

درمان غضب به دو طریق است:

روش اول: دوری از آن
با دوری نمودن از اسباب خشم؛ از این اسباب، کبر و خودپسندی، فخرفروشی، طمع نکوهیده، مزاح در وقت نامناسب، شوخی و هر آنچه مشابه آنها می‌توان اسم برد.

روش دوم: آن موقع که خشم ظاهر می‌شود

آن هم در چهار نوع بیان می‌گردد:

1) پناه بردن به الله ﷻ از شیطان رانده شده **(أعوذ بالله من الشیطان الرجیم)**.

2) وضو گرفتن.

3) تغییر حالتی که خشم در آن حالت است، نشستن یا دراز کشیدن یا خارج شدن یا حرف نزدن یا غیره.

4) به خاطر آوردن ثواب آنچه در مورد فروخوردن خشم آمده، و آنچه در مورد عاقبت خشم و عقوبت و خواری آن آمده است.

معالجه با سیاه‌دانه (شونیز)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: (همانا در سیاه‌دانه (شونیز) شفایی برای تمام دردها وجود دارد به جز مرگ) (بخاری و مسلم) و می‌گوید «**شفاء من کل داء**»: شفا برای تمام دردها، مانند این سخن الله ﷻ ﴿**تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا**﴾: هر چیزی را به فرمان پروردگار خویش بهم می‌زند (زاد المعاد).

درمان با عسل

1) الله ﷻ در مورد زنبور عسل می‌فرماید:

﴿ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ (نحل / 69)

«برمی‌آید از شکم این زنبوران آشامیدنی گوناگون رنگ‌های او، در آن آشامیدنی شفا است مردمان را، هرآینه در این مقدمه نشانه است گروهی را که تفکر می‌کنند».

2) و پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (شفا در سه چیز است: در تیغ رگزن، یا شربت عسل، یا داغ کردن با آتش، و من امتم را از داغ کردن نهی می‌کنم) (بخاری).

درمان با آب زمزم

1) پیامبر اکرمﷺ در مورد آب زمزم فرمود: (همانا آن مبارک است و نوشیدنی قوی است و شفای بیماری است) (مسلم و بیهقی و طبرانی).

2) و در حدیث جابر است که (**ماء زمزم لما شرب له**) (آب زمزم برای چیزی است که به خاطر آن نوشیده می‌شود) (ابن ماجه).

3) (آب زمزم در ظروف و مشک‌ها حمل می‌شود و بر مریض‌ها می‌رسد و آنها را سیراب می‌کند) (ترمذی و بیهقی). ابن قیم رحمه‌الله می‌گوید: من و افرادی غیر از من کارهای عجیبی از مداوا با آب زمزم تجربه کرده‌ایم و من به وسیله آن روی تعدادی بیماری تداوی نمودم و به اذن الله خوب شدم (زادالمعاد).

درمان امراض قلبی

قلب‌ها سه قسم هستند: قلب سلیم ـ قلب مرده ـ قلب مریض.

1) قلب سلیم (بی‌عیب): هیچ کس در روز قیامت نجات نمی‌یابد مگر اینکه الله‎ﷻ به او قلب سلیم عطا کرده باشد، الله‎ﷻ می‌فرماید:

﴿ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ﴾

(شعراء / 88-89)

«(روز قیامت) روزی است که فایده نمی‌دهد مال و نه فرزندان، لیکن صاحب فایده آن باشد که بیاورد پیش خدا دلی بی‌عیب را».

قلب سلیم قلبی است که از هر خواهش و هوسی که با اوامر و منهیات الله‌ﷻ مخالفت نماید، سالم و به دور می‌باشد، و از هر شبهه و شکی که با گفته‌های الله‌ﷻ مغایرت داشته باشد سالم و به دور می‌باشد. از بندگی غیر الله و قبول حکم غیر رسول‌اللهﷺ به دور است، و در یک جمله، قلب سلیم و بی‌عیب قلبی است که نه تنها از دل سپرده به غیر الله‌ﷻ و آنچه در آن شرک است به دور می‌باشد بلکه بندگی‌اش برای الله خالص گردیده و همراه با اراده و محبت، توکل و توبه، تواضع و خضوع، خوف و رجا، و تمنابه الله‌ﷻ می‌باشد.

قلب سلیم قلبی است که برای الله‌ﷻ خالص شده، اگر دوستی کرد برای الله باشد و اگر کینه و دشمنی نمود به خاطر الله‌ﷻ باشد، اگر چیزی بخشید یا از چیزی منع نمود برای الله‌ﷻ باشد، همه تلاش و سعی و محبتش برای الله‌ﷻ باشد، و مقصد و هدفش او باشد، بدنش در راه او باشد، اعمالش و خواب و بیداریش خالص برای الله و کلام الله و آنچه که از طرف اوست برایش جذاب‌تر از هر کلامی باشد، و افکارش او را در مواضع جلب رضایت و محبت الله‌ﷻ پشتیبانی نمایند، از خداوند بزرگ داشتن این قلب را مسئلت داریم.

2) قلب مرده: این قلب بر خلاف قلب سلیم می‌باشد:

قلبی است که پروردگارش را نمی‌شناسد و او را طبق فرمانش عبادت نمی‌کند، و او را دوست نمی‌دارد و راضی نمی‌گرداند، بلکه آن قلب مرده بر شهوات و خواهش‌ها و لذت‌هایش استوار است، ولو اینکه در آن خواهشات، غضب و خشم الله‌ﷻ باشد. او غیر الله را در حال محبت و ترس و رجا و رضایت و فروتنی و تعظیم و خواری عبادت می‌کند، اگر دشمنی می‌کند دشمنی‌اش به خاطر هوا و هوس است، و اگر دوستی می‌کند به خاطر آن است، و اگر چیزی می‌بخشد و یا از آن منع می‌کند به خاطر هوس است،

پس امامش هوا و هوس و رهبرش شهوت اوست، جهل، سوق‌دهنده و غفلت مرکب اوست، از این نوع قلب به الله ﷻ پناه می‌بریم.

3) قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است ولی بیمار است و در آن دو ماده وجود دارد که هر کدام آن را به نوبت به سوی خود می‌کشد و به راهی می‌رود که هر کدام از آن دو بر دیگری غلبه نماید و آنچه که سبب زندگی و حیات آن است، محبت الله ﷻ می‌باشد، و ایمان به او و اخلاص برای او و توکل نمودن به الله ﷻ می باشد و آنچه که سبب هلاکت و نابودی آن است، محبت شهوات و طمع برای بدست آوردن آنهاست و حسد و کبر و خودپسندی و بلندپروازی و فساد در روی زمین با ریا نمودن و نفاق و تکبر و تنگ‌نظری و بخل است، از این قلب هم به الله ﷻ پناه می‌بریم، و قرآن کریم معالجه این قلب را و تمام بیماری‌ها، تضمین کرده است.

الله ﷻ می‌فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾ (یونس / 57)

«ای مردمان، آمده است به شما پندی از پروردگارتان و شفایی بر آن علت است که در سینه‌هاست، و راه نمودنی و بخشایشی برای مسلمانان».

﴿ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ﴾ (اسراء / 82)

«و فرودآوردیم از قرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مسلمانان و نمی‌افزاید در حق ستمکاران مگر زیان را».

و بیماری‌های قلب دو نوع است: نوعی که صاحب بیماری دردی از آن در حال حاضر احساس نمی‌کند و آن مرض جهل و نادانی و شبهه و شک است، و این از بزرگترین نوع دردها برای فساد است ولی آن را احساس نمی‌کند.

نوع دیگر: مرضی است که در حال حاضر آن را احساس کرده و متألم می‌شود، مانند: غم و غصه، اندوه، خشم و این بیماری با داروهای طبیعی و رفع اسباب آن از بین می‌رود.

معالجه و درمان قلب با چهار چیز امکان دارد

مورد اول: قرآن کریم

که همانا آن به آنچه که در سینه از شک وجود دارد شفا است، و هر چه از شرک و لکه‌های کفر و بیماری‌های شبهات و شهوات در آن است را از بین می‌برد.

قرآن کریم برای کسی که به حق آن را بداند و به آن عمل نماید، هدایت است و برای مؤمنین با آنچه که به وسیلۀ آن از ثواب فوری و غیر فوری برای آنان حاصل می‌شود رحمت است:

﴿ أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَٰهُ وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ﴾ (انعام / 122)

«آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش (یعنی کافر بود و او را هدایت کردیم) و پیدا کردیم برای او نوری که می‌رود با آن میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش اینست که در تاریکی‌ها، نیست بیرون آینده از آن».

مورد دوم: قلب محتاج سه مورد است

الف) آنچه که نیروی قلب را حفظ می‌کند و آن با ایمان و عمل صالح و عمل با طاعات و عبادات میسر می‌شود.

ب) پرهیز از مواضع زیان و آن اجتناب از تمامی گناهان و انواع مخالفات با اوامر الهی است.

ج) راحت شدن و دوری از هر چیز آزاردهنده به وسیله توبه و استغفار.

مورد سوم: درمان بیماری قلب از استیلاء و تسلط نفس بر آن

شامل دو نوع درمان است: صبر و باز داشتن نفس و مخالفت با آن.

باز داشتن نفس نیز دو گونه است:

الف) یک نوع قبل از عمل و دارای چهار مرحله است:

1) آیا این عمل برای او مقدور است یا نه؟

2) آیا انجام این عمل از ترک آن برایش بهتر است یا نه؟

3) آیا با انجام این عمل رضایت الله‌ﷻ حاصل می‌شود، یا نه؟

4) آیا انجام این عمل کمکی برای او می‌کند و آیا در انجام این عمل اگر به کمکی احتیاج پیدا کند کسی او را کمک و یاری می‌کند یا نه؟ گر جواب «بله» است پس به آن کار اقدام نماید و گرنه هرگز به آن کار اقدامی نکند.

ب) یک نوع دیگر بعد از عمل است و آن سه نوع است:

1) صبر و واداشتن نفس بر طاعاتی که در آن حق الله‌ﷻ کوتاهی شده و به نحو مطلوب انجام نمی‌شود و از حقوق الله‌ﷻ اخلاص، نصیحت، پیروی، دیدن مواضع نیکی، و مشاهده منت الله‌ﷻ بر آن در حقش است و مشاهده کوتاهی‌اش بعد از همه آنهاست.

2) بازداشتن نفس از هر عمل که ترک کردن آن از انجام دادنش بهتر است.

3) بازداشتن نفس از انجام کار مباح یا عادتی که با انجام دادن آن اگر نیت او الله و سرای آخرت باشد به او ثوابی ندارد. و اگر قصد منفعت دنیایی کند زیانکار می‌شود، و جمع‌بندی آنها که نفسش را وادار می‌کند نخست بر انجام فرایض، سپس آن را اگر ناقص باشد تکمیل نماید، و از منهیات و محرمات باز دارد و اگر دانست که او چیزی از آن منهیات مرتکب شد، با توبه و استغفار جبران نماید و سپس بر آنچه که با جوارحش انجام می‌دهد همت گمارد، سپس بر دفع غفلت نفس اهتمام ورزد.

مورد چهارم: درمان بیماری قلب از تسلط شیطان بر آن:

شیطان دشمن انسان است، و دوری از او با آنچه که الله‌ﷻ از استعاذه (پناه جستن) معین کرده میسر می‌باشد، نبی اکرمﷺ بین استعاذه از شر نفس و شر شیطان جمع نموده است، به ابوبکر صدیقؓ می‌فرماید: بگو: **اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَىْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِى وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرَكِهِ، وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِى سُوءًا أَوْ أَجُرَّهُ إِلَى مُسْلِمٍ**» (ترمذی و ابوداود).

«ای الله، شکافنده آسمان‌ها و زمین، داننده غیب و آشکار، پروردگار همه چیز و مالک آنها، شهادت می‌دهم که به جز تو الهی نیست، از بدی نفسم و از بدی شیطان و شرکش به تو پناه می‌آورم و از اینکه گناهی بر نفسم مرتکب نمایم، و یا به مسلمانی آن را مرتکب نمایم».

استعاذه، توکل و اخلاص از تسلط شیطان جلوگیری می‌کند.

وصلی‌الله و سلّم علی عبده ورسوله محمد وعلی

آله وأصحابه أجمعین ومن تبعهم
بإحسان إلی یوم الدّین